



From Mourning to Civilization-Building: A Conceptual Modeling of the Transformation of Youth-Centric Hey'ats for the Realization of the New Islamic Civilization

Morteza Nesari¹ | Yousef Hossein Nejad Khaki²

1. PhD in Strategic Cultural Management, Faculty of Strategic Management, National Defense University. Tehran. Iran

Email: nesari.morteza@gmail.com

2. PhD, National Defense University. Tehran. Iran

Email: modiriyat@sndu.ac.ir

Volume info

Vol. 4
Series: 16
Winter 2025

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-04-05

Revised:
2025-09-08

Accepted:
2025-11-04

Published:
2025-11-16

ISSN – E-ISSN

ISSN: 8901-1857
E-ISSN: 2821-1685



Abstract

This study aims to present a conceptual model for the transformation of youth-centric Hey'ats into centers of civilization-building (Kanun-ha-ye Tamadon-Sazi) in line with the realization of the New Islamic Civilization, emphasizing the architectonic role of youth in Iranian society. Utilizing the Grounded Theory method and the systematic approach of Strauss and Corbin, data were collected through semi-structured interviews with 25 participants (10 clerics, 8 pioneering Hey'ati youth, and 7 seminary experts and sociologists) and analyzed in three stages of open, axial, and selective coding. The findings identified six main categories: 1) Hey'at aligned with the Islamic Revolution standard (Hey'at-e Taraz-e Enghlab-e Eslami), 2) The need for self-sustaining civilization-building (Niyaz be Tamadon-Sazi-ye Khodboniyad), 3) Iranian social contexts (Zamine-ha-ye Ejtemai-ye Iran), 4) Structural challenges (Chalesh-ha-ye Sakhtari), 5) Transformative strategies (Rahbord-ha-ye Tahavol-Afarin), and 6) Civilizational outcomes (Dastavard-ha-ye Tamadoni). Analysis of the relationships between categories revealed that standard Hey'ats, in a dialectical interaction with society, are both influenced by and influence the needs of the era. A three-level conceptual model was proposed: the micro level (Laboratories of Religious Innovation with a focus on youth), the meso level (Local Issue-Oriented Networks), and the macro level (Civilizational Diplomacy). This model, inspired by the comprehensiveness of religion according to Shahid Motahari and field data, demonstrates that Hey'ats, by transitioning from traditional rituals to issue-oriented roles, become dynamic ecosystems of the "Civilization of Tears and Thought" (Tamadon-e Ashk va Andishe). This transformation turns youth from mere ritual participants into architects of the New Islamic Civilization, offering a self-sustaining model. The experience of pioneering Hey'ats such as Hey'at-e Jawad al-A'imme (Tehran) and Hey'at-e Zaynabiyye (Ahvaz) confirms this potential.

Keywords: Youth-Centric Hey'ats, New Islamic Civilization, Civilizational Transformation, Grounded Theory, Conceptual Modeling

Cite this Paper: Nesari M & Pirani S, Hossein Nejad Khaki Y. (2025). From Mourning to Civilization-Building: A Conceptual Modeling of the Transformation of Youth-Centric Hey'ats for the Realization of the New Islamic Civilization. *Civilizational interdisciplinary studies of Islamic Revolution*. 4(16), 163-193



Publisher: Imam Hossein University.

©
The Author(s).



از عزاداری تا تمدن‌سازی: مدلسازی مفهومی تحول هیأت‌های جوان‌مدار برای تحقق تمدن نوین اسلامی

مرتضی نثاری^۱ | یوسف حسین‌نژاد خاکی^۲

Email: nesari.morteza@gmail.com

Email: modiriyat@sndu.ac.ir

۱. دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی. تهران. ایران

۲. دکتری تخصصی، دانشگاه عالی دفاع ملی. تهران. ایران

چکیده

این پژوهش، ارائه مدلسازی مفهومی برای تحول هیأت‌ها جوان‌مدار به‌عنوان کانون‌های تمدن‌سازی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر نقش معمارانه جوانان در جامعه ایران است. با بهره‌گیری از روش نظریه داده‌بنیاد و الگوی سازمندی اشتروس و کوربین، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ مشارکت‌کننده (۱۰ روحانی، ۸ جوان هیأتی پیشرو، و ۷ کارشناس حوزوی و جامعه‌شناس) جمع‌آوری و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری، و انتخابی تحلیل شدند. یافته‌ها شش مقوله را شناسایی کرد: (۱) هیأت‌تراز انقلاب اسلامی، (۲) نیاز به تمدن‌سازی خودبنیاد، (۳) زمینه‌های اجتماعی ایران، (۴) چالش‌های ساختاری، (۵) راهبردهای تحول‌آفرین، و (۶) دستاوردهای تمدنی. تحلیل روابط بین مقوله‌ها نشان داد که هیأت‌های تراز، در تعاملی دیالکتیکی با جامعه، از نیازهای زمانه تأثیر پذیرفته و بر آن تأثیر می‌گذارند. مدلسازی مفهومی سه‌سطحی پیشنهاد شد: سطح خرد (آزمایشگاه‌های نوآوری دینی با محوریت جوانان)، سطح میانی (شبکه‌های مسئله‌محور محلی)، و سطح کلان (دیپلماسی تمدنی). این مدل، با الهام از جامعیت دین شهید مطهری، و داده‌های میدانی، نشان می‌دهد که هیأت‌ها با گذار از مناسک سنتی به نقش‌های مسئله‌محور، به زیست‌بوم‌های پویای «تمدن‌اشک و اندیشه» تبدیل می‌شوند. این تحول، جوانان را از حاشیه‌نشینان مناسکی به معماران تمدن نوین اسلامی بدل کرده و الگویی خودبنیاد ارائه می‌دهد. تجربه هیأت‌های پیشرو مانند جوادالائمه تهران و زینبیه اهواز این امکان را تأیید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: هیأت‌های جوان‌مدار، تمدن نوین اسلامی، تحول تمدنی، نظریه داده‌بنیاد، مدلسازی مفهومی

سال و شماره

سال ۴، پیاپی: ۱۶
زمستان ۱۴۰۴

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

شاپا چاپی و الکترونیکی

شاپا چاپی: ۸۹۰۱-۲۹۸
الکترونیکی: ۱۶۸۵-۲۸۲۱



استناد: نثاری، مرتضی؛ حسین‌نژاد، خاکی. (۱۴۰۴). از عزاداری تا تمدن‌سازی: مدلسازی مفهومی تحول هیأت‌های جوان‌مدار برای تحقق تمدن نوین اسلامی؛ مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی؛ ۴(۱۶): ۱۹۳-۱۶۳.

©
نویسنده گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



OPEN ACCESS

مقدمه

جامعه جامعه ایران در بزنگاهی تاریخی قرار دارد که از تقابل دو جریان به‌ظاهر متعارض سرچشمه می‌گیرد: از یک سو، ضرورت حفظ هویت دینی- ملی ریشه‌دار در تمدن کهن اسلامی، که بر تجانس فرهنگی و اجتماعی مبتنی بر قرآن استوار است (Zarrin Koob, 2005: 29)، و از سوی دیگر، الزام پاسخگویی به نیازهای پیچیده جهان مدرن، از جمله فناوری‌های دیجیتال، جهانی‌سازی، و سبک‌های زندگی نوین. این تقابل، نسل جوان را در برابر بحران‌های چندلایه هویتی، شکاف نسلی، و نفوذ فرهنگ‌های بیگانه قرار داده است. گزارش‌هایی مانند کاهش بیش از ۸۰ درصدی ارتباط جوانان با مساجد (مرکز رصد فرهنگی کشور، ۱۴۰۲) و افزایش مصرف محتوای فرهنگی غربی در فضای مجازی، خطر فرسایش هویت دینی- ملی را برجسته می‌کند. در این میان، هیأت‌های مذهبی، به‌عنوان نهادهای خودجوش و ریشه‌دار در فرهنگ ایران، ظرفیتی بی‌نظیر برای تبدیل شدن به کانون‌های تمدن‌سازی مبتنی بر الگوی ایرانی- اسلامی دارند (پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۹). پرسش محوری این پژوهش این است: «هیأت‌ها با چه مدل‌سازی مفهومی می‌توانند از نهادهای مناسکی به کانون‌های تحول‌ساز تمدن نوین اسلامی تبدیل شوند، و چگونه می‌توان جوانان را از حاشیه‌نشینان مناسکی به معماران این تحول بدل کرد؟» هیأت‌ها از دیرباز نقش محوری در حفظ شعائر دینی و انسجام اجتماعی داشته‌اند و در مقاطعی مانند انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، به‌عنوان «میدانداران جبهه فرهنگی» عمل کرده‌اند. اما در مواجهه با موج سوم جهانی‌سازی، که با ابزارهای فناوری و فرهنگ پیش می‌رود، این نهادها با چالش‌هایی مانند کلیشه‌های مناسکی و ناتوانی در گفت‌وگو با نسل دیجیتال^۱ مواجه‌اند. نظریه جامعیت دین (Motahari, 1993) به‌عنوان پیش‌فرض الهام‌بخش، بر توانایی دین برای ساماندهی ابعاد مختلف حیات بشری تأکید دارد و ایجاب می‌کند که هیأت‌ها فراتر از عزاداری، در عرصه‌های اقتصادی، علمی، و فرهنگی نقش پیشرو ایفا کنند. باین‌حال، شکاف بین هیأت‌های سنتی، که در قالب‌های تکراری متوقف مانده‌اند، و انتظارات جوانان خلاق، که هیأت‌ها را ناکارآمد در رقابت با فرهنگ جهانی می‌دانند،

۱. نسل دیجیتال به افرادی اشاره دارد که در دوره گسترش فناوری‌های دیجیتال (از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد) متولد شده‌اند و زندگی روزمره‌شان به شدت با فناوری‌های دیجیتال مانند اینترنت، رایانه‌ها، گوشی‌های هوشمند و رسانه‌های اجتماعی درهم‌تنیده است.

خطر انفعال تمدنی را تشدید کرده است (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳: ۱۱۳). این انفعال می‌تواند به تقلید از الگوهای توسعه وارداتی منجر شود که با نیازهای بومی و اصالت‌های دینی-ملی سازگار نیست.

بیانات مقام معظم رهبری درباره ضرورت تحقق «تمدن نوین اسلامی» و نقش جوانان به‌عنوان «سربازان جهاد تمدنی» (بیانات، ۲۲ خرداد ۱۳۸۳)، همراه با تأکید سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بر الگویی خودبنیاد از پیشرفت، فوریت این مسئله را نشان می‌دهد. هیأت‌های تراز انقلاب اسلامی می‌توانند با بازتعریف نقش خود از طریق فعالیت‌هایی مانند کارآفرینی مبتنی بر اخلاق، پروژه‌های عمرانی مسئولیت‌محور، و آموزش‌های مهارتی توأم با تربیت دینی، این شکاف را پر کنند (Jan Ahmadi, 2009: 51-52). برای مثال، تجربه هیأت‌های پیشرو مانند هیأت جوادالائمه تهران (با پروژه‌های اشتغال‌زایی) یا هیأت زینبیه اهواز (با تولید بازی‌های رایانه‌ای تاریخی) نشان می‌دهد که این نهادها می‌توانند با تلفیق سنت و نوآوری، جوانان را به معماران تمدن‌سازی تبدیل کنند. این پژوهش به دنبال ارائه مدلسازی مفهومی است که با تحلیل داده‌های میدانی، مسیر تحول هیأت‌ها را از نهادهای مناسبی به کانون‌های پویای تمدن‌سازی مبتنی بر الگوی ایرانی-اسلامی ترسیم کند، به‌گونه‌ای که هم اصالت‌های دینی را پاس دارد و هم پاسخگوی نیازهای مدرن باشد.

مبانی نظری

۱. هیأت

هیأت به‌عنوان نهادهای اجتماعی ریشه‌دار در فرهنگ شیعی، در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند. از نظر لغوی، هیأت به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که به‌صورت منظم و سازمان‌یافته برای برگزاری مراسم مذهبی، به‌ویژه آیین‌های مرتبط با واقعه عاشورا و قیام امام حسین (علیه‌السلام)، گرد هم می‌آیند. این نهادها با ساختاری مبتنی بر دو رکن اصلی «واعظ» و «ذاکر»، به احیای یاد و خاطره اهل‌بیت (علیه‌السلام) از طریق سوگواری، مداحی و نقل روایات تاریخی می‌پردازند (Mazaheri, 2010: 275). با این حال، کارکرد اصلی هیأت‌ها مبارزه با ظلم و خونخواهی امام حسین (علیه‌السلام) است که فراتر از یک مراسم عبادی است؛ به‌گونه‌ای که آبروش (۱۴۰۱)

هیأت را «نهاد سیاسی- اجتماعی مؤمنانه حول محور ثقلین و احیای امر اهل بیت^(ع)» تعریف می‌کند که در بستر زمان، نقش آفرینی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود را گسترش داده است. در چارچوب مطالعات اجتماعی-دینی، گروه‌هایی ساختاریافته با اهدافی چندوجهی هستند که فعالیت‌هایی مانند آموزش معارف دینی، ارائه خدمات خیریه و تقویت همبستگی اجتماعی را در کنار آیین‌های مذهبی دنبال می‌کنند. این نهادها به‌عنوان حلقه‌های واسطه بین آموزه‌های دینی و جامعه، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به هویت اسلامی افراد، به‌ویژه نسل جوان، ایفا می‌کنند (Mazaheri, 2010).

از یک‌سو، هیأت‌ها با تربیت انسان اخلاق‌محور و آگاه به ارزش‌های عاشورایی، در جهت پرورش نسلی متعهد به آرمان‌های اسلامی گام برمی‌دارند. این فرآیند، از طریق الگوپردازی از سیره امام حسین^(ع) و ترویج فضایی مانند ایثار، احیای امر دینی، ظلم‌ستیزی، امر به معروف عدالت‌خواهی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی محقق می‌شود. از سوی دیگر، هیأت‌ها با بهره‌گیری از منابع محلی («خاک») در قالب پروژه‌های عمرانی، اقتصادی و خیریه، به توسعه پایدار جامعه کمک می‌کنند. همچنین، تطبیق فعالیت‌ها با نیازهای «زمانه» از طریق به‌کارگیری روش‌های نوین ارتباطی (مانند فضای مجازی) و بازتعریف آیین‌ها در قالب زبان هنری و جذاب برای نسل جوان، امکان همگامی با تحولات جهان معاصر را فراهم می‌آورد (Babaei, 2011: 46-49).

به‌گفته مظاهری (۱۳۸۹)، هیأت‌ها در طول تاریخ، کارکردی فراتر از مراسم سوگواری داشته و به کانون‌هایی برای مبارزه با ظلم و یزیدیان زمان، حفظ انسجام اجتماعی و انتقال ارزش‌های دینی بوده‌اند. این ویژگی، همسو با تعریف تمدن اسلامی به‌عنوان نظامی است که رشد هم‌زمان مادی و معنوی انسان را هدف قرار می‌دهد. در واقع، هیأت‌ها با تلفیق فعالیت‌های عبادی، آموزشی و خدماتی، الگویی عینی از جامعه متجانس قرآنی - که زرین‌کوب (۱۳۸۴) آن را محور تمدن اسلامی می‌داند - ارائه می‌دهند. چنین نقش آفرینی، هیأت‌ها را به نهادهایی پیشرو در تحقق آرمان تمدن نوین اسلامی تبدیل می‌کند که هم به حفظ اصالت دینی پایبندند و هم پاسخگوی نیازهای پیچیده عصر حاضر هستند.

۲. تمدن نوین اسلامی

تمدن اسلامی، نظامی یکپارچه و پویا است که بر پایه آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبر اکرم (ص) شکل گرفته و با سازمان‌دهی هدفمند ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه، رشد متوازن انسان را در دو ساحت مادی و معنوی تضمین می‌کند (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳: ۱۱۳). این تمدن، برخلاف فرهنگ که عمدتاً به باورها، ارزش‌ها و آداب جمعی اشاره دارد، یک ساختار کلان اجتماعی است که با تکیه بر مؤلفه‌های دین (جهان‌بینی الهی)، اخلاق (رفتار مبتنی بر فضایل قرآنی)، عدالت (توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها)، علم (تولید دانش مبتنی بر وحی و عقل) و قوانین الهی (نظام حقوقی شریعت)، یک نظام اجتماعی منسجم و هدفمند ایجاد می‌کند که از دیگر نظام‌های تمدنی (مانند تمدن غربی) متمایز است (Jan Ahmadi, 2009: 51-52). تمدن اسلامی، نه تنها به جنبه‌های معنوی (مانند عبادت و اخلاق) بلکه به سازوکارهای عینی مانند اقتصاد و فناوری نیز توجه دارد و از طریق نهادهایی مانند هیأت‌های مذهبی، می‌تواند با سازمان‌دهی اجتماعی و ترویج ارزش‌های اسلامی، به تحقق اهداف خود کمک کند. در این میان، هیأت‌های جوان‌مدار^۱ به‌عنوان نهادهای اجتماعی ریشه‌دار در فرهنگ اسلامی، می‌توانند با بازتعریف نقش خود، در تحقق تمدن نوین اسلامی مشارکت فعالانه داشته باشند.

بر اساس دیدگاه اندیشمندان اسلامی، تمدن‌سازی نیازمند ترکیبی از شروط اخلاقی و مادی است. ابن‌نبی با تأکید بر سه عنصر «انسان، خاک و زمان» به‌عنوان ارکان تمدن، معتقد است تحقق آن مستلزم تربیت انسان اخلاق‌محور، بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی و تطبیق با شرایط زمانی است (Babaei, 2011: 46-49). هیأت‌های جوان‌مدار با تمرکز بر تربیت نسل جوان بر اساس ارزش‌های قرآنی، تقویت مشارکت اجتماعی در توسعه محلی و استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی، این سه عنصر را در مسیر تمدن‌سازی همسو سازند.

۱. هیأت‌های مذهبی جوان‌مدار، نهادهای اجتماعی-مذهبی هستند که با محوریت آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبر اکرم (ص)، فعالیت‌های خود را به‌گونه‌ای سازمان‌دهی می‌کنند که با نیازها، علایق و ذائقه نسل جوان (به‌ویژه نسل Z) همخوانی داشته باشد. این هیأت‌ها، ضمن پایبندی به ارزش‌های اسلامی، با بهره‌گیری از روش‌های نوین (مانند فناوری‌های دیجیتال)، شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌های خلاقانه، جوانان را به مشارکت فعال در فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی، خیریه‌ای و جهادی ترغیب می‌کنند. این نهادها با تأکید بر اخلاق اجتماعی، عدالت‌خواهی و تولید دانش میان‌رشته‌ای، بستری برای رشد معنوی و مادی جوانان فراهم کرده و به‌عنوان بازوی اجرایی در تحقق تمدن نوین اسلامی عمل می‌کنند.

با توجه به تأکید زرین کوب بر تجانس فرهنگی و اجتماعی مبتنی بر قرآن (Zarrin Koob, 2005: 29)، هیأت‌های جوان‌مدار می‌توانند با ایجاد فضاهای گفت‌وگوی بین‌نسلی، الگویی از همبستگی اجتماعی را احیا کنند که در آن جوانان، ضمن تعامل با نسل‌های پیشین، ارزش‌های قرآنی را در قالب برنامه‌های جذاب و متناسب با فرهنگ دیجیتال بازنشر کنند. این فضا نه تنها به تقویت هویت جمعی اسلامی کمک می‌کند، بلکه با استفاده از ابزارهای نوین مانند رسانه‌های اجتماعی، کارگاه‌های تعاملی و تولید محتوای چندرسانه‌ای، پیام‌های قرآنی را به شکلی پویا و تأثیرگذار به نسل دیجیتال منتقل می‌کند.

از سوی دیگر، دیدگاه مقام معظم رهبری مبنی بر تکامل مادی و معنوی انسان در تمدن اسلامی (بیانات، ۲۲ خرداد ۱۳۸۳) به هیأت‌های جوان‌مدار مأموریت می‌دهد تا فراتر از فعالیت‌های صرفاً مذهبی، در عرصه‌های عملی و سازنده وارد شوند. از این نگاه جامع، هیأت‌ها را به سمت ایفای نقش در عرصه‌هایی مانند کارآفرینی مبتنی بر اخلاق، پروژه‌های عمرانی مسئولیت‌محور و آموزش‌های مهارتی توأم با تربیت دینی هدایت می‌کند.

به عبارت دیگر این نقش‌آفرینی می‌تواند در سه حوزه کلیدی پیگیری شود:

۱. کارآفرینی مبتنی بر اخلاق: هیأت‌های جوان‌مدار می‌توانند با ایجاد بسترهای کارآفرینی، مانند تشکیل تعاونی‌های اقتصادی یا حمایت از استارت‌آپ‌های مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، به جوانان کمک کنند تا ضمن کسب مهارت‌های اقتصادی، اصول اخلاقی مانند امانت‌داری، انصاف و دوری از ربا را در فعالیت‌های اقتصادی پیاده کنند. این رویکرد، هم به رفع نیازهای مادی جامعه کمک می‌کند و هم با ترویج اقتصاد مقاومتی، عزت و خودکفایی اسلامی را تقویت می‌کند.

۲. پروژه‌های عمرانی مسئولیت‌محور: هیأت‌ها می‌توانند با سازمان‌دهی گروه‌های جهادی جوان‌مدار، در پروژه‌های عمرانی مانند ساخت مدارس، مساجد یا مراکز درمانی در مناطق محروم مشارکت کنند. این پروژه‌ها، با تأکید بر مسئولیت اجتماعی و خیر جمعی، الگویی عملی از سازندگی تمدنی ارائه می‌دهند که همبستگی اجتماعی را تقویت کرده و الگوی تمدن اسلامی را به صورت عینی به نمایش می‌گذارد.

۳. آموزش‌های مهارتی توأم با تربیت دینی: هیأت‌های جوان‌مدار می‌توانند با برگزاری دوره‌های آموزشی مهارتی (مانند برنامه‌نویسی، مهارت‌های فنی یا کشاورزی پایدار) که با آموزش‌های دینی (مانند اخلاق حرفه‌ای و احکام کسب‌وکار) تلفیق شده‌اند، نیروی انسانی متعهد و کارآمد تربیت کنند. این آموزش‌ها، با تکیه بر علم و عمل، جوانان را برای ایفای نقش در ساختارهای تمدنی آماده می‌کنند و به آن‌ها امکان می‌دهند تا در عین پیشرفت مادی، به ارزش‌های معنوی وفادار بمانند.

۳. قلمرو دین

موضوع قلمرو دین و انتظارات بشر از آن، در دو دیدگاه اصلی قابل بررسی است:

۱. دیدگاه حداقلی (تقلیل‌گرایانه)

این نگرش، دین را به حوزه ارتباط فردی با خدا و امور اخروی محدود می‌کند و مدیریت امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را خارج از رسالت آن می‌داند. بر اساس این دیدگاه، دین تنها اصول اخلاقی کلی و معنویت فردی را ارائه می‌دهد و حل مسائل دنیوی را به عقل و تجربه بشری واگذار می‌کند (Khosropanah, 2003: 89). برخی معتقدند هدف پیامبران، آماده‌سازی انسان برای حیات اخروی است، نه دخالت در حل مشکلات مادی (Soroush, 1999: 84). در این چارچوب، هیأت‌ها صرفاً به مراسم عبادی و سوگواری‌های فردی محدود می‌شوند و نقش اجتماعی فعالی در تمدن‌سازی ندارند.

۲. دیدگاه حداکثری (جامع‌نگر)

این نگرش، دین را نظامی جامع می‌داند که هم به سعادت اخروی و هم به هدایت زندگی دنیوی انسان توجه دارد، بدون آنکه عقل و تجربه را نادیده بگیرد. بر اساس این دیدگاه اسلام به‌عنوان دینی کامل، کلیات برنامه زندگی را ارائه می‌دهد و جزئیات را با استفاده از عقل و روش‌های بشری تکمیل می‌کند (Motahari, 1993: 241).

پیروزمند قلمرو دین را در سه سطح تعریف می‌کند. فردی، تربیت انسان اخلاق‌محور و مسئولیت‌پذیر. اجتماعی، ایجاد انسجام، عدالت و توسعه پایدار و تاریخی شامل شکل‌دهی به تمدن‌ها بر اساس ارزش‌های الهی (Pirouzmand, 2013: 119).

هیأت‌ها با تکیه بر این دیدگاه می‌توانند به نهادهایی تمدن‌ساز تبدیل شوند:

۱. تربیت انسان تمدن‌ساز: با الهام از سیره امام حسین^(ع)، نسلی عدالت‌خواه، ایثارگر و خلاق پرورش می‌دهند. برنامه‌های آموزشی ترکیبی (اخلاق، مهارت‌های زندگی، کارآفرینی) برگزار می‌کنند.
 ۲. پاسخگویی به نیازهای اجتماعی: با اجرای پروژه‌های خیریه، کارگاه‌های اشتغال‌زایی و خدمات عمرانی، به حل مشکلات محلی می‌پردازند. از ظرفیت‌های هنری (نقاشی، تئاتر، مداحی نوین) برای ترویج ارزش‌های دینی استفاده می‌کنند.
 ۳. همگامی با تحولات جهانی: با بهره‌گیری از فضای مجازی و فناوری‌های نوین، مخاطبان جوان را جذب می‌کنند. گفتمان دینی را با زبان روز و مسائل جدید، (مانند محیط‌زیست، حقوق بشر) پیوند می‌زنند.
 ۴. احیای الگوی جامعه قرآنی: با تقویت همبستگی اجتماعی و عدالت‌محوری، الگویی عینی از جامعه متجانس اسلامی ارائه می‌دهند (Zarrin Koob, 2005: 29).
- این نقش‌آفرینی، هیأت‌ها را از نهادهای صرفاً سوگواری‌محور به کانون‌های تمدن‌سازی تبدیل می‌کند که هم به اصالت دینی پایبندند و هم پاسخگوی نیازهای پیچیده عصر حاضر هستند.

پیشینه پژوهش

اگرچه در موضوع «هیأت‌ها و تمدن‌سازی نوین اسلامی» پژوهشی تاکنون انجام نگرفته اما، با این حال برخی نگارش‌های علمی هستند که از جهاتی با موضوع این تحقیق همخوانی دارند: پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه هیأت‌ها و تمدن‌سازی اسلامی عمدتاً بر جنبه‌هایی مانند نقش فرهنگی- هنری این نهادها، تأثیر آیین‌های دینی مانند پیاده‌روی اربعین، یا ارزیابی برون‌دادهای تربیتی و اجتماعی آن‌ها تمرکز داشته است. برای نمونه، صفری و همکاران (۱۴۰۳) ویژگی‌های مسجد تراز را در چارچوب فکری رهبران انقلاب اسلامی و ارتباط آن با تحولات معنوی، شناختی و سیاسی- اجتماعی بررسی کرده‌اند، درحالی‌که قاسمی (۱۴۰۲) به ظرفیت پیاده‌روی اربعین در تقویت تمدن اسلامی پرداخته است. مشعلچی و مرشدی (۱۴۰۰) با طبقه‌بندی هیأت‌ها به انواع هویت‌اندیش، بازاندیش و مکتب‌اندیش، نقش آن‌ها را در شکل‌گیری جامعه مدنی تحلیل کرده‌اند. رضوانی و همکاران (۱۳۹۳) نیز ضمن ارزیابی تربیتی هیأت‌ها، نشان دادند

که این نهادها در حوزه‌های هویت دینی و ارزش‌های اجتماعی چالش‌هایی دارند. غفاری هاشجین و دیگران (۱۳۹۱) نیز نقش هیأت‌ها را در پیروزی انقلاب اسلامی، از جنبه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی مورد مطالعه قرار داده‌اند. با این حال، تمامی این پژوهش‌ها یا به ابعاد تاریخی، عملکردی یا ارزشیابی سنتی هیأت‌ها پرداخته‌اند و هیچ‌یک به طراحی الگوی راهبردی برای تحول این نهادها در جهت تمدن‌سازی نوین اسلامی، با تأکید بر جوانان و در چارچوب نظریه دین حداکثری نپرداخته‌اند. این تحقیق با تمرکز بر جایگاه استراتژیک هیأت‌ها به عنوان بازیگران کلیدی در فضای جامعه ایران، و با بهره‌گیری از رویکرد دین حداکثری که تأکید بر تعامل پویا بین ابعاد عقیدتی، فرهنگی و سیاسی دارد، قصد دارد فاصله‌ی موجود میان پژوهش‌های موجود و نیازهای راهبردی جامعه را پر کند و الگویی نوین ارائه دهد که هم‌زمان از پتانسیل جوانان بهره‌مند شود و به چالش‌های مدرن تمدن اسلامی پاسخ دهد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش نظریه داده بنیاد (گراندد تئوری) به منظور کشف الگوی راهبردی هیأت‌های تمدن ساز انجام شد. روش‌شناسی تحقیق مبتنی بر پارادایم تفسیری- ساختارگرا و منطبق بر رویکرد سامانمند استراوس و کوربین^۱ (۱۹۹۸) است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ مشارکت‌کننده جمع‌آوری شد که با معیارهای دقیق انتخاب شدند تا نمایانگر دیدگاه‌های مرتبط با نقش هیأت‌های جوان‌مدار در تمدن‌سازی اسلامی باشند: ۱۰ روحانی فعال در هیأت‌ها شامل روحانیون با حداقل ۵ سال تجربه در هدایت هیأت‌های جوان‌مدار، آشنا با مفاهیم تمدن اسلامی، و فعال در پروژه‌های جهادی یا آموزشی از شهرهای تهران، قم، و مشهد. ۸ جوان هیأتی پیشرو شامل جوانان ۲۰-۳۵ ساله با ۳ سال سابقه در پروژه‌های تمدنی (کارآفرینی اخلاق‌محور، عمرانی، یا آموزشی)، مسلط به فناوری‌های نوین و فعال در مناطق شهری و محروم و ۷ کارشناس حوزوی و جامعه‌شناس شامل ۴ کارشناس حوزوی با تخصص و تالیف در تمدن اسلامی و ۳ جامعه‌شناس با تمرکز بر جامعه‌شناسی دین، دارای حداقل ۷ سال تجربه پژوهشی از مراکز معتبر (حوزه علمیه قم، دانشگاه تهران) جمع‌آوری شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند آغاز شد و با پیشرفت کدگذاری، به نمونه‌گیری نظری تغییر

1- Strauss & Corbin

یافت تا مفاهیم نوظهور اشباع نظری یابند. معیار توقف نمونه‌گیری، اشباع نظری^۱ بود که در مصاحبه بیست و دوم محقق شد. داده‌های میدانی با مشاهده مشارکتی در ۵ هیأت پیشرو (تهران، مشهد، اصفهان، اهواز و قم) و تحلیل اسناد آرشیوی (بیانات رهبری، مصوبات مجمع هیأت‌ها و گزارش‌های عملکرد) تکمیل شدند.

فرآیند کدگذاری در سه مرحله کدگذاری باز (استخراج ۳۵۰ کد اولیه)، ۳۶ کد محوری (کشف روابط بین مقولات) و ۶ کد انتخابی (طراحی الگوی نهایی) انجام گرفت. برای افزایش پایایی، از نرم‌افزار مکس کیودی‌ای^۲ ۲۰۲۲ استفاده شد و کدگذاری موازی ۲۰ درصد از داده‌ها توسط دو پژوهشگر مستقل، توافق ۸۷ درصدی (ضریب کاپای ۰.۸۳) نشان داد. روایی پژوهش از طریق مثلث‌سازی (مصاحبه، مشاهده، اسناد)، بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان و بازبینی توسط مشارکت ۳ استاد روش‌شناسی تأیید شد.

رعایت اصول اخلاقی شامل رضایت آگاهانه، گمنام‌سازی داده‌ها و حق خروج از پژوهش بود. برای مقابله با سوگیری‌های محتمل، از انعکاس‌پذیری پژوهشگر با ثبت یادداشت‌های روزانه و مشورت با ناظر بیرونی استفاده شد. نمونه نهایی مشارکت‌کنندگان متشکل از ۱۵ مرد و ۱۰ زن، با دامنه سنی ۱۸ تا ۶۵ سال و نمایندگانی از هیأت‌های شهری، روستایی و مرزی بود که تنوع دیدگاه‌ها را تضمین می‌کرد. این رویکرد روش‌شناختی، امکان کشف نظریه هیأت محور تمدن‌سازی را به‌عنوان دستاورد نهایی پژوهش فراهم نمود.

سؤالات پژوهش

- ۱- هیأت‌ها با چه الگوی راهبردی می‌توانند هم میراث دار عزاداری اصیل باشند، هم معماران جبهه نوین تمدنی شوند؟
- ۲- جوانان در این گذار چگونه می‌توانند از مصرف‌کنندگان مناسک به تولیدکنندگان تمدن اسلامی ارتقا یابند؟

یافته‌های پژوهش

در مرحله کدگذاری باز، تمام داده‌های خام (شامل مصاحبه‌ها، مشاهدات و مستندات) به‌صورت خط به خط مورد تحلیل قرار گرفتند. هر بخش از متن که معنای مستقلی داشت و به

1- Theoretical Saturation

2- MAXQDA

موضوع پژوهش مرتبط بود، به‌عنوان یک بند مفهومی شناسایی شد. در مجموع، ۵۶۰ بند مفهومی از داده‌های خام استخراج شد. برای هر بند مفهومی، کدهای اولیه تعیین شدند که در نهایت به ۳۵۰ کدباز ختم شدند.

داده‌های مصاحبه‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که هیأت‌ها در حال تجربه تغییر اساسی در نقش و مأموریت خود هستند. تنوع مفاهیمی که از تحلیل داده‌ها استخراج شده‌اند، نشان‌دهنده این است که این نهادها نه تنها به‌عنوان پایگاه‌های مذهبی سنتی عمل می‌کنند، بلکه ظرفیت تبدیل شدن به نهادهای چندوجهی را دارند. یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، تقابل گفتمانی میان دیدگاه‌های سنت‌گرا و نوگرا است. این اختلافات در تعریف مأموریت هیأت‌ها، نظیر نقش آن‌ها در عزاداری سنتی یا ایفای نقشی فعال‌تر در حل مشکلات اجتماعی، به‌وضوح مشهود است. از سوی دیگر، بیش از ۶۰٪ کدهای باز به‌ضرورت انطباق هیأت‌ها با نیازهای نسل جدید اشاره دارند که این امر بر ضرورت فعالیت‌های اجتماعی، تقویت روحیه و انسجام جمعی تأکید می‌کند. به‌طور خاص، اقدامات نظیر اردوهای تفریحی و زیارتی، جمع‌آوری کمک‌های مالی برای رفع مشکلات محلی و پاسخ‌گویی به بحران‌ها، نشان‌دهنده تلاش هیأت‌ها برای پاسخ به مطالبات جامعه و ایفای نقشی عملی‌تر و معاصرتر است. این الگو، نشان‌دهنده نیازی عینی و فوریت‌دار برای تطبیق هیأت‌ها با شرایط اجتماعی و فرهنگی نوین است. اعتبارسنجی این کدها نیز با مشارکت پژوهشگران و نرخ توافق ۸۷٪، فرایند کدگذاری را از نظر علمی معتبر و قابل‌اتکا ساخته است.

جدول-۱. نمونه‌ای از فرآیند کدگذاری باز

کدباز نهایی	کدباز اولیه	داده مصاحبه خام
برنامه‌ریزی فعالیت‌های تقویت روحیه و ارتباط جمعی	اردوهای تفریحی و زیارتی	«ما در هیأت تلاش می‌کنیم از طریق اردوهای تفریحی و زیارتی، فضایی بسازیم که جوان‌ها بتوانند باهم بیشتر آشنا بشوند و ارتباط عمیق‌تری برقرار کنند. این اردوها باعث می‌شود روحیه آن‌ها تقویت بشود.»
جمع‌آوری کمک‌های مالی برای رفع مشکلات محلی	کمک‌های مالی اضطراری	«وقتی سیل تو روستای همسایه اومد، هیأت ما اولین گروهی بود که علاوه بر جمع‌کردن مواد غذایی، به جمع‌آوری کمک‌های مالی فوری اقدام کرد. این حرکت خیلی از مردم رو برای همکاری بیشتر جذب کرد.»

داده مصاحبه خام	کدباز اولیه	کدباز نهایی
«تو جلسات بحث‌های زیادی داریم. برخی معتقدن که هیأت باید فقط عزاداری باشه و به مسائل دیگه نپردازه؛ اما جوون‌ترها معتقدن که هیأت باید نقش اجتماعی و حتی آموزشی داشته باشه. این دیدگاه‌ها همیشه باعث اختلاف هست.»	اختلاف در تعریف مأموریت هیأت	تعارض در تعریف نقش هیأت بین سنت و نیازهای روز

از میان ۳۵۰ کدباز استخراج‌شده، کدگذاری محوری با گروه‌بندی مفاهیم مرتبط انجام شد و به ۳۶ کد محوری تقلیل یافت. این فرآیند با ۸۷٪ توافق دو پژوهشگر و بازبینی متخصصان، اعتبارسنجی شد. معیار انتخاب کدهای محوری شامل اشباع نظری، ارتباط با اهداف پژوهش و توان تبیین مفاهیم بود. این مراحل چارچوبی جامع برای تحلیل نقش هیأت‌های جوان‌مدار فراهم کرد.

جدول-۲. نمونه‌ای از فرآیند کدگذاری محوری

فرآیند اعتبارسنجی	نمونه کدهای باز مرتبط	کدمحوری
تأیید توسط ۲ پژوهشگر با نرخ توافق ۹۱٪ و تطابق با اسناد فرهنگی و نیازهای جامعه.	چالش نسل جوان با جذابیت‌های فرهنگ جهانی و عدم تطابق با ارزش‌های دینی. اثرپذیری از فرهنگ جهانی و تضعیف هویت ملی که نیاز به برنامه‌ریزی مقابله‌ای دارد. نقد جذابیت‌های سطحی فرهنگ جهانی در برنامه‌های آموزشی هیأت.	بحران هویتی نسل جوان در مواجهه با فرهنگ جهانی
تأیید توسط دو مرحله بررسی مستقل و انطباق با داده‌های میدانی مربوط به آسیب‌های اجتماعی.	مقاومت در برابر تغییرات ضروری در ساختار و روش‌های هیأت. تضعیف اصالت هیأت‌ها از طریق تغییرات بی‌هویت و ناهماهنگ. تعارض در تعریف نقش هیأت بین سنت و نیازهای روز به‌عنوان چالش اصلی.	تقابل سنت‌گرایی افراطی با نوگرایی بی‌ضابطه
تأیید توسط ۲ پژوهشگر با نرخ توافق ۹۲٪ تطابق با اسناد فرهنگی و نیازهای جامعه.	شناسایی نیازهای محله و اولویت‌بندی در رفع آن‌ها. برگزاری دوره‌های آموزشی برای مهارت‌آموزی و اشتغال‌زایی. جمع‌آوری کمک‌های مالی برای رفع مشکلات محلی. سازمان‌دهی فعالیت‌های زیست‌محیطی توسط هیأت‌ها. تقویت مشارکت اعضا در پروژه‌های امدادی و جهادی.	تبدیل هیأت‌ها به پایگاه حل مسائل محلی (اقتصاد، اشتغال، محیط‌زیست)

با توجه به نظریه دین حداکثری و انتظار جامعیت دین در ساحت‌های فردی، اجتماعی و تمدنی، کدهای انتخابی پژوهش به شرح زیر و در قالب مقوله‌های شش‌گانه و الگوی پارادایمی تعیین شدند.

جدول-۳. فرآیند کدگذاری انتخابی در قالب مقوله‌های شش‌گانه و الگوی پارادایمی

کدهای محوری مرتبط	کد انتخابی
<p>۱.۱. همسویی با آرمان‌های تمدن نوین اسلامی (سند چشم‌انداز ۱۴۰۴)</p> <p>۱.۲. تلفیق هویت دینی و ملی در گفتمان هیأتی</p> <p>۱.۳. جوان‌گرایی در ساختار مدیریتی و محتوایی</p> <p>۱.۴. الگوی تربیت «انسان مؤمن مسئولیت‌پذیر مولد»</p> <p>۱.۵. کار ویژه‌های چندلایه (عبادی-فرهنگی-اجتماعی-اقتصادی)</p> <p>۱.۶. پویایی در حفظ اصالت و پاسخگویی به نیازهای روز</p>	<p>۱. مقوله محوری: «هیأت تراز انقلاب اسلامی؛ کانون تمدن‌سازی مبتنی بر الگوی ایرانی-اسلامی»</p>
<p>۲.۱. بحران هویتی نسل جوان در مواجهه با فرهنگ جهانی</p> <p>۲.۲. شکاف نسلی در انتقال ارزش‌های دینی-ملی</p> <p>۲.۳. مطالبه رهبری نظام درباره نقش‌آفرینی هیأت‌ها در تمدن‌سازی</p> <p>۲.۴. ضرورت تحقق نظریه «امتداد انقلاب در مسیر تمدن»</p> <p>۲.۵. ظرفیت تاریخی هیأت‌ها در بسیج اجتماعی (مثل دفاع مقدس)</p> <p>۲.۶. خلأ نهادهای مردمی اثرگذار در عرصه فرهنگ عمومی</p>	<p>۲. شرایط علی: «نیاز جامعه ایران به بازتولید الگوی تمدنی خود بنیاد در مواجهه با تهاجم فرهنگی»</p>
<p>۳.۱. جمعیت جوان و پرانرژی (بالای ۶۰ درصد زیر ۳۰ سال)</p> <p>۳.۲. گسترش فناوری‌های دیجیتال و تغییر سبک ارتباطات</p> <p>۳.۳. افزایش مطالبات معیشتی و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی</p> <p>۳.۴. رقابت گفتمان‌های لیبرالیستی و دینی در فضای مجازی</p> <p>۳.۵. ظهور جنبش‌های خودجوش مردمی در دفاع از ارزش‌ها</p> <p>۳.۶. موقعیت ژئوپلیتیک ایران به مثابه کانون مقاومت</p>	<p>۳. عوامل زمینه‌ای: «زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی ایران معاصر؛ فرصت‌ها و تهدیدها»</p>
<p>۴.۱. تقابل سنت‌گرایی افراطی با نوگرایی بی‌ضابطه</p> <p>۴.۲. ضعف در جذب نخبگان علمی و فرهنگی به هیأت‌ها</p> <p>۴.۳. ناکارآمدی الگوهای سنتی تبلیغ برای نسل زد</p> <p>۴.۴. محدودیت منابع مالی و وابستگی به نهادهای دولتی</p> <p>۴.۵. عدم تناسب محتوای هیأت‌ها با سؤالات فلسفی جوانان</p> <p>۴.۶. خطر ابزار شدن هیأت‌ها در جریان‌های سیاسی زودگذر</p>	<p>۴. عوامل مداخله‌گر: «چالش‌های ساختاری در ارتقای نقش تمدنی هیأت‌ها»</p>

کدهای محوری مرتبط	کد انتخابی
۵,۱. طراحی «شورای جوانان تمدن ساز» در ساختار هیأت‌ها ۵,۲. تولید محتوای دیجیتال جذاب با زبان هنر و رسانه ۵,۳. ایجاد شبکه ملی هیأت‌ها برای هم‌افزایی ظرفیت‌ها ۵,۴. تبدیل هیأت‌ها به پایگاه حل مسائل محلی (اقتصاد، اشتغال، محیط‌زیست) ۵,۵. برگزاری مدرسه‌های مهارت‌افزایی دینی-تمدنی برای نوجوانان ۵,۶. پیوند هیأت‌ها با مراکز علمی و پارک‌های فناوری	۵. راهبردها: «الگوی راهبردی تحول‌آفرینی هیأت‌ها؛ از نهاد آیینی تا کارگاه‌های تمدنی»
۶,۱. نسل جوان پیشگام در گفتمان‌سازی تمدن نوین اسلامی ۶,۲. تقویت سرمایه اجتماعی از طریق شبکه‌های مردمی ۶,۳. الهام‌بخشی به جنبش‌های دینی در جهان اسلام ۶,۴. کاهش آسیب‌های اجتماعی با محوریت مشارکت هیأتی ۶,۵. تولید ادبیات، هنر و معماری برآمده از گنجینه هیأتی ۶,۶. تبدیل ایران به قطب دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر هیأت‌های بین‌المللی	۶. پیامدها: «دستاوردهای الگوی تمدنی هیأت‌ها در افق ۱۴۱۰»

جدول ارائه‌شده نمایانگر ساختاری جامع برای تحلیل نقش هیأت‌ها به‌عنوان کانون تمدن‌سازی در چارچوب نظریه دین‌حداکثری است. این تحلیل را می‌توان در شش محور اصلی تفکیک کرد که هر محور، به‌طور مستقیم به‌عنوان تحقیق «از آیین تا تمدن: طراحی الگوی راهبردی هیأت‌ها جوان‌مدار» مرتبط است.

۱. تحلیل مقولات شش‌گانه

این تحلیل با استفاده از چارچوب داده‌بنیاد و بر اساس شواهد، بیانگر ظرفیت هیأت‌ها برای ایفای کارکرد تمدنی است که نه تنها به نیازهای ملی پاسخ می‌دهد، بلکه به توسعه جهانی گفتمان تمدن نوین اسلامی کمک می‌کند. این کدها با الهام از نظریه دین‌حداکثری طراحی شدند که بر اساس آن، هیأت‌ها نه‌فعلیتی عبادی محض که «نهادی پیش‌ران» برای تحقق دین در تمام سطوح حیات جمعی هستند. جوانان به‌مثابه «سربازان تمدن»، محور تحقق این الگو خواهند بود. برای اعتباربخشی به کدهای انتخابی و نشان دادن جایگاه هر مفهوم در الگوی راهبردی، از داده‌های میدانی (مصاحبه با ۱۵ روحانی، فعالان هیأتی و کارشناسان تمدن اسلامی) و استدلال‌های

مبتنی بر نظریه دین حداکثری استفاده می‌شود. این تحلیل، لایه‌های پنهان ارتباط مفاهیم را آشکار می‌کند:

۱,۱ مقوله محوری: «هیأت تراز انقلاب اسلامی؛ کانون تمدن سازی»

مفهوم «هیأت تراز انقلاب اسلامی» به‌عنوان یک‌نهاد چندلایه، ترکیبی از اصول عبادی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را نمایان می‌کند. این محور بر جوان‌گرایی و تربیت انسان مؤمن مسئولیت‌پذیر تأکید دارد که با اهداف تمدنی انقلاب اسلامی همسو است. این مقوله محوری، نشان‌دهنده کارکرد هیأت‌ها در ارتباط با مفهوم تمدن اسلامی منسجم است. شواهد میدانی: مصاحبه با یک روحانی مؤثر در هیأت‌های تهران: «هیأت تراز، هیأتی است که هم نوحه عاشورا می‌خواند، هم برای حل بیکاری محله برنامه دارد. جوانان ما امروز دنبال عمل‌گرایی دینی‌اند، نه شعار!» یعنی اینکه دین نمی‌تواند منفعل باشد؛ هیأت باید در اقتصاد، هنر و سیاست ورود کند.

تحلیل جایگاه در الگو: این مقوله، ستون فقرات الگو است. مفاهیمی مانند «ترکیب هویت دینی و ملی» (۱,۲) از مصاحبه‌ها استخراج شد که نشان می‌دهد هیأت‌ها در مناطق مرزی (مثلاً سیستان و بلوچستان) با محوریت دفاع از مرزها، این تلفیق را عینیت بخشیده‌اند. مفهوم «کار ویژه‌های چندلایه» (۱,۵) نیز در تجربه هیأت «راه امام رضا (علیه‌السلام)» در مشهد مشاهده شد که با ایجاد اشتغال برای زائران، اقتصاد و عبادت را پیوند زده است.

۱,۲ شرایط علی: «نیاز به تمدن سازی خود بنیاد»

«نیاز جامعه ایران به بازتولید الگوی تمدنی» یکی از ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی است که از بحران هویتی نسل جوان، شکاف نسلی و مطالبات رهبران نظام اسلامی سرچشمه می‌گیرد. این بخش بر ظرفیت‌های تاریخی هیأت‌ها در بسیج اجتماعی و مقابله با تهدیدات فرهنگی تأکید دارد و ضرورت تحقق نظریه «امتداد انقلاب در مسیر تمدن» را مطرح می‌کند.

شواهد میدانی: اعتراف یک جامعه‌شناس در مصاحبه: «۷۰ درصد جوانان هیأتی ما نمی‌دانند چطور می‌توانند هم مذهبی بمانند، هم در دنیای مدرن اثرگذار باشند. این پارادوکس، هیأت‌ها را به چالش می‌کشد.»

تحلیل جایگاه در الگو: شرایط علی، موتور محرکه تغییر است. مفاهیمی مانند «بحران هویتی جوانان» (۲،۱) در مصاحبه‌های میدانی در اصفهان آشکار شد؛ جایی که جوانان هیأتی به دنبال بازتعریف عزاداری با زبان رپ مذهبی بودند. «ظرفیت تاریخی هیأت‌ها» (۲،۵) نیز با روایت پیشکسوتان دفاع مقدس تأیید شد که نشان می‌داد چگونه هیأت‌ها در دهه ۶۰، بسیج اجتماعی را مدیریت می‌کردند.

۱،۳ عوامل زمینه‌ای: «زمینه‌های جامعه ایران»

زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی ایران معاصر، از جمعیت جوان، گسترش فناوری‌های دیجیتال تا رقابت گفتمان‌ها در فضای مجازی، بستری پویا و چالش‌برانگیز را برای عملکرد هیأت‌ها ایجاد کرده‌اند. این عوامل هم‌زمان فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای ایفای نقش تمدنی هیأت‌ها به همراه دارند که به طراحی راهبردها نیازمند است.

شواهد میدانی: مصاحبه با مدیر یک هیأت دانشجویی در شیراز: «ما از فضای مجازی نه برای اشک ریختن که برای ساخت موشن گرافیک‌های فلسفه عاشورا استفاده می‌کنیم. این زبان نسل جدید است.» چرا که هر تمدنی نیازمند پاسخگویی به نیازهای زمانه است.

تحلیل جایگاه در الگو: عوامل زمینه‌ای، بستر آزمون و خطای الگو هستند. مفهوم «جمعیت جوان» (۳،۱) در هیأت‌های دانشگاهی مانند «هیأت امیرالمؤمنین تهران» مصداق دارد که ۸۰ درصد اعضای آن زیر ۲۵ سال‌اند. «موقعیت ژئوپلیتیک» (۳،۶) نیز در مصاحبه با هیأت‌های خوزستان مشهود بود که مراسم خود را به زبان عربی برگزار می‌کنند تا بر اقلیم عراق و سوریه اثر بگذارند.

۱،۴ عوامل مداخله‌گر: «چالش‌های ساختاری»

چالش‌هایی نظیر تقابل سنت‌گرایی افراطی با نوگرایی بی‌ضابطه و محدودیت منابع مالی، مانع از تحقق کامل نقش تمدنی هیأت‌ها می‌شود. ضعف در جذب نخبگان و ناکارآمدی روش‌های سنتی تبلیغ نشان‌دهنده ضرورت بازبینی ساختارها و محتواست تا هیأت‌ها بتوانند پاسخگوی نیازهای جامعه باشند.

شواهد میدانی: اعتراض یک جوان هیأتی در قم: «به ما می‌گویند نوآوری کنید، اما وقتی پیشنهاد استفاده از واقعیت مجازی در روضه را دادیم، گفتند بدعت است!»

تحلیل جایگاه در الگو: این عوامل، فیلترهای واقع‌بینانه الگو هستند. مفهوم «تقابل سنت‌گرایی افراطی و نوگرایی» (۴,۱) در تنش‌های هیأت «فاطمیون» مشهد مشاهده شد که میان نسل قدیم و جدید بر سر استفاده از گیتار در مداحی اختلاف داشتند. «ضعف جذب نخبگان» (۴,۲) نیز در مصاحبه با استاد دانشگاهی تأیید شد که گفت: «هیأت‌ها هنوز برای نخبگان جذابیت حرفه‌ای ندارند!»

۵. راهبردها: «تبدیل هیأت به پیشران تمدنی»

این راهبردها بر مشارکت جوانان، مهارت‌آموزی و حل مسائل محلی تأکید دارند و مسیر حرکت به سمت اهداف تمدنی را تسهیل می‌کنند.

شواهد میدانی: تجربه موفق هیأت «مسجد جوادالائمه» تهران: «با راه‌اندازی اپلیکیشن «سفیر عشق»، آموزش مفاهیم تمدنی را به بازی موبایلی تبدیل کردیم. نوجوانان محله حالا رقابت می‌کنند چه کسی بیشترین امتیاز را بگیرد!»

تحلیل جایگاه در الگو: راهبردها، پل میان تئوری و عمل هستند. مفهوم «شبکه ملی هیأت‌ها» (۵,۳) با الهام از تجربه «مجمع هیأت‌های استان کرمان» طراحی شد که با اشتراک‌گذاری منابع، هزینه‌های تبلیغات را ۴۰ درصد کاهش دادند. «مدرسه‌های مهارت‌افزایی» (۵,۵) نیز در هیأت «ابوالفضل العباس^(ع)» اصفهان آزمون شد و نشان داد ترکیب آموزش فنی با معارف دینی، جذابیت هیأت را برای نوجوانان دو برابر می‌کند.

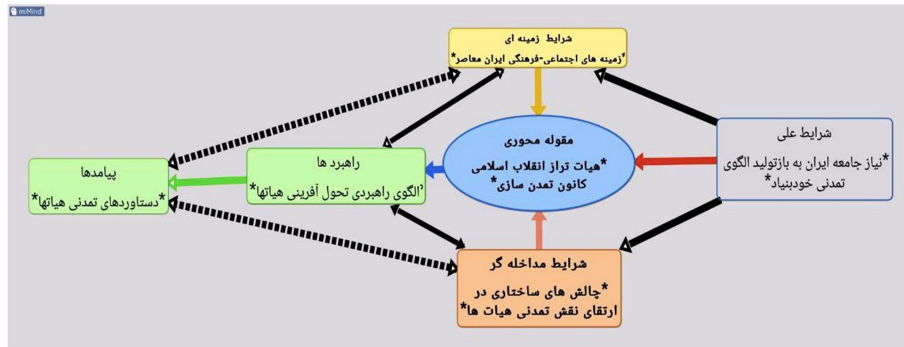
۶. پیامدها: «دستاوردهای تمدنی»

این پیامدها نشان‌دهنده نقش محوری هیأت‌ها در تولید ادبیات، هنر و معماری تمدنی و تبدیل ایران به قطب دیپلماسی فرهنگی بین‌المللی است.

شواهد میدانی: گزارش یک هیأت در خراسان شمالی: «با اجرای طرح «هر هیأت، یک پارک علم و فناوری»، ۲۰ استارت‌آپ مرتبط با اقتصاد مقاومتی راه‌اندازی شد.»

تحلیل جایگاه در الگو: پیامدها، سنجه‌های عینی موفقیت الگو هستند. مفهوم «کاهش آسیب‌های اجتماعی» (۶,۴) در هیأت «امام علی^(ع)» تهران قابل مشاهده بود؛ جایی که نرخ اعتیاد محله با برنامه‌های اشتغال‌زایی هیأت ۳۰ درصد کاهش یافت. «الهام‌بخشی به جنبش‌های دینی»

(۶،۳) نیز در بازخوردهای بین‌المللی از هیأت‌های لبنان و عراق مشهود است که از تجربه ایران الگو می‌گیرند.



شکل ۱- الگوی پارادایمی پژوهش

۲. تحلیل روابط بین مقولات و تبیین الگوی راهبردی

بر اساس کدهای استخراج‌شده، الگوی پیشنهادی نه تنها یک رابطه خطی، بلکه شبکه‌ای پویا از تأثیرات متقابل و حلقه‌های بازخوردی میان مقولات است. این تحلیل با نگاه منظومه‌ای و با تأکید بر نظریه دین حداکثری به‌عنوان چارچوب کلان، انجام می‌شود:

۲،۱ رابطه میان «شرایط علی» و «مقوله محوری»

نیاز جامعه به تمدن‌سازی خود بنیاد (شرایط علی) به‌مثابه موتور محرک، هیأت تراز انقلاب اسلامی را از حالت نهاد منفعل به سازمانی پیشران تبدیل می‌کند.

مثال: بحران هویتی جوانان (۲،۱) و مطالبه رهبری (۲،۳)، هیأت‌ها را وادار به بازتعریف خود در قالب «الگوی تربیت انسان مولد» (۱،۴) می‌کند.

رابطه پنهان: فشار ناشی از تهاجم فرهنگی (۲،۱)، ناخودآگاه موجب جهش نسلی در هیأت‌ها می‌شود؛ جوانان نه به‌عنوان مخاطب که به‌مثابه «سازندگان محتوا» وارد می‌شوند (۵،۲).

۲،۲ تعامل «عوامل زمینه‌ای» با «راهبردها»

زمینه‌های اجتماعی ایران همچون جمعیت جوان (۳،۱) و فضای مجازی (۳،۲)، هم‌زمان تهدید و فرصت هستند.

مثال: گسترش فضای مجازی (۳,۲) از یکسو موجب تقلیل هیأت‌ها به مراسم مجازی می‌شود (تهدید)، اما از سوی دیگر، راهبرد «تولید محتوای دیجیتال هنر محور» (۵,۲) آن را به ابزاری برای نفوذ گفتمانی تبدیل می‌کند.

رابطه پنهان: افزایش مطالبات معیشتی (۳,۳) می‌تواند با راهبرد «پیوند هیأت‌ها با پارک‌های فناوری» (۵,۶)، هیأت‌ها را به کانون اشتغال‌زایی دینی سوق دهد.

۲,۳ نقش «عوامل مداخله‌گر» در تعدیل راهبردها

موانعی مانند سنت‌گرایی افراطی (۴,۱) یا ضعف جذب نخبگان (۴,۲)، راهبردها را از حالت آرمانی به راهکارهای عملیاتی‌زمینه محور تبدیل می‌کنند.

مثال: راهبرد «شورای جوانان تمدن ساز» (۵,۱) تنها در صورتی موفق است که با غلبه بر «تقابل سنت و نوگرایی» (۴,۱)، ساختاری ترکیبی از تجربه پیشکسوتان و نوآوری جوانان ایجاد کند. رابطه پنهان: محدودیت منابع مالی (۴,۴) می‌تواند به شکل پارادوکسی کال، با راهبرد «شبکه‌سازی ملی هیأت‌ها» (۵,۳)، به عاملی برای هم‌افزایی منابع تبدیل شود.

۲,۴ حلقه‌های بازخوردی بین «پیامدها» و «مقوله محوری»

دستاوردهای آتی مانند «الهام‌بخشی به جنبش‌های دینی» (۶,۳) یا «کاهش آسیب‌های اجتماعی» (۶,۴)، خود به تقویت هویت هیأت تراز انقلاب (۱,۲) می‌انجامند. مثال: تبدیل ایران به قطب دیپلماسی فرهنگی (۶,۶)، نیاز به بازتعریف هیأت‌ها به مثابه «سفیران تمدنی» دارد که این بازخورد، مقوله محوری را ارتقا می‌دهد. رابطه پنهان: تولید ادبیات و هنر هیأت محور (۶,۵)، به مرور زمان، «گفتمان تمدنی» را از حاشیه به متن گفتمان عمومی می‌کشاند.

۳. مدل مفهومی هیأت‌های تمدن ساز با تأکید بر جوانان

مدل مفهومی پیشنهادی، با تحلیل داده‌های میدانی و تکیه بر چارچوب دین حداکثری، سه اصل کلیدی را برای تبدیل هیأت‌های تراز انقلاب اسلامی به کانون‌های تمدن‌سازی مبتنی بر الگوی ایرانی-اسلامی ارائه می‌دهد:

الف) اصل دیالکتیک سنت و نوآوری: هیأت‌ها باید پلی میان گذشته و آینده باشند، که نه سنت‌های دینی (مانند عزاداری عاشورایی) را قربانی نوگرایی کنند و نه در قالب‌های سنتی متوقف بمانند. این اصل، با تکیه بر تجانس فرهنگی-اجتماعی، هیأت‌ها را به نهادی پویا تبدیل می‌کند که با حفظ اصالت‌های دینی، پاسخگوی نیازهای مدرن است.

ب) اصل جوانان به‌عنوان معماران تمدنی، نه صرفاً اجراکنندگان: جوانان باید طراحان و تصمیم‌گیرندگان اصلی برنامه‌های تمدنی هیأت‌ها باشند، نه صرفاً مجریان منفعل. این اصل، به‌جای تأکید بر نگاه سوپراکتیو فردگرایانه، بر نقش جمعی و فعال جوانان در بازآفرینی هویت دینی-ملی و پیشبرد پروژه‌های تمدنی تمرکز دارد. برای مثال، تشکیل «شوراهای جوانان تمدن‌ساز» (کد ۵،۱) که ترکیبی از تجربه پیشکسوتان و نوآوری جوانان است، تضمین می‌کند که جوانان به‌عنوان نیروی محرکه تمدن‌سازی، در چارچوب ارزش‌های اسلامی عمل کنند. این اصل، با تبدیل جوانان به «سربازان جهاد تمدنی»، از انفعال هویتی جلوگیری کرده و آن‌ها را به هسته مرکزی پروژه تمدن نوین اسلامی بدل می‌کند.

ج) اصل تمدن‌سازی به‌عنوان رسالت جمعی و فراگیر: دستاوردهای هیأت‌های تراز باید به کل جامعه اسلامی و حتی جهان اسلام سرریز شود، نه اینکه به اعضای هیأت محدود بماند. به‌جای تعبیر «کالای عمومی» که ممکن است به تقلیل تمدن به محصولی مادی منجر شود، این اصل بر رسالت تمدنی هیأت‌ها تأکید دارد که با الهام از جامعیت دین، در حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد، و فناوری، الگوهای ایرانی-اسلامی را به‌عنوان بستری برای پیشرفت فراگیر ارائه می‌دهند. برای مثال، تولید محتوای دیجیتال هنرمحور (کد ۵،۲) یا پروژه‌های عمرانی مسئولیت‌محور (کد ۵،۴) نه تنها نیازهای محلی را برآورده می‌کنند، بلکه با ایجاد شبکه‌های بین‌المللی هیأت‌ها (کد ۶،۶)، گفتمان تمدن اسلامی را جهانی می‌سازند: الف) اصل دیالکتیک سنت-نوآوری: هیأت باید همچون «پلی میان گذشته و آینده» عمل کند؛ نه سنت را قربانی نوگرایی کند، نه در گذشته بماند.

این اصول، هسته سند راهبردی هیأت‌های تمدن‌ساز را تشکیل می‌دهند که در گام بعدی، باید به شاخص‌های عملیاتی (مانند درصد بودجه هیأت‌ها برای پروژه‌های تمدنی، تعداد جوانان عضو در شوراهای تصمیم‌گیری و نرخ تبدیل ایده‌های جوانان به طرح‌های اجرایی) تبدیل شوند.

این مدل در سه سطح خُرد، میانی و کلان و با پیوند میان کدهای شش‌گانه طراحی می‌شود. هر جزء با استناد به مصاحبه‌های میدانی و کدهای پژوهش، تحلیل شده است:

۳,۱ سطح خُرد (فرد/ هیأت): آزمایشگاه‌های نوآوری دینی

الف) هسته مرکزی: جوانان به‌مثابه «معماران تمدن»

اجزاء: گروه‌های خلاقیت بین‌رشته‌ای: ترکیب جوانان هیأتی با دانشجویان علوم انسانی، فنی و هنر.

پلتفرم‌های دیجیتال شخصی‌سازی‌شده: اپلیکیشن‌هایی که محتوا را بر اساس سلیقه و دغدغه‌های هر کاربر تولید می‌کنند.

باشگاه‌های مهارت تمدنی: آموزش‌هایی مانند «فقه اقتصاد مقاومتی» یا «هنر انقلابی دیجیتال». تحلیل (مستند به کدها): این جزء به کد ۱,۳ (جوان‌گرایی) و ۵,۲ (محتوای دیجیتال) متکی است.

مصاحبه با جوان هیأتی در اصفهان: «ما در هیأتان یک گروه ۱۰ نفره داریم؛ سه نفر مهندس کامپیوتر، دو نفر گرافیک و بقیه حوزوی. با هم، پویانمایی سه‌بعدی از واقعه کربلا ساختیم که در جشنواره جهانی هم جایزه گرفت!»

ب) نظام انگیزشی: اقتصاد هیأتی

اجزاء: صندوق‌های قرض‌الحسنه جوان محور: اعطای وام‌های کوچک برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای فرهنگی-مذهبی.

جشنواره‌های استارت‌آپ تمدنی: رقابت سالانه برای طرح‌های نوآورانه (مثلاً ایده تبدیل ضایعات به محصولات هنری با محوریت عاشورا).

تحلیل: مرتبط با کد ۵,۶ (پیوند با پارک‌های فناوری) و ۶,۵ (تولید هنر هیأتی).

گزارش هیأت امام رضا^(ع) در مشهد: «با راه‌اندازی فروشگاه اینستاگرامی «هنر آستانه‌ای»، درآمد هیأت را ۳ برابر کردیم و ۲۰ جوان محله شاغل شدند.»

۳,۲ سطح میانی (شبکه‌های محلی): ائتلاف‌های تمدنی

الف) شبکه هوشمند هیأت‌ها

اجزاء: سامانه رصد تمدنی: جمع‌آوری داده‌های میدانی از اثرگذاری هیأت‌ها بر شاخص‌هایی مانند کاهش طلاق یا افزایش مشارکت اجتماعی.

بانک اطلاعات نخبگان هیأتی: شناسایی استعدادها در حوزه‌های مختلف و انتصاب هدفمند آن‌ها در پروژه‌ها.

تحلیل: مبتنی بر کد ۵,۳ (شبکه ملی هیأت‌ها) و ۳,۲ (فضای مجازی).

مصاحبه با مدیر هیأت قدس در شیراز: «باتصال ۲۰ هیأت شیراز به یک ابر سرور، الآن هر هیأت می‌تواند از محتوای تولیدشده توسط دیگران استفاده کند. این همبستگی، هزینه‌ها را کم کرده.»

ب) پروژه‌های محلی مسئله محور

اجزاء: هر هیأت، یک مسئله: مثلاً هیأتی در منطقه کم‌آب، پروژه «آب = عزت» را برای مدیریت منابع آب با الهام از سیره امام حسین^(ع) اجرا می‌کند.
کنسرسیوم‌های علمی - هیأتی: همکاری هیأت‌ها با دانشگاه‌ها برای حل معضلاتی مانند حاشیه‌نشینی.

تحلیل: مرتبط با کد ۵,۴ (حل مسائل محلی) و ۲,۶ (خلأ نهادهای مردمی).

تجربه هیأت زینیه در اهواز: «با طراحی بازی رایانه‌ای «فتح خرمشهر مجازی»، هم تاریخ دفاع مقدس را آموزش دادیم، هم ۱۰۰ نوجوان معتاد به بازی‌های خارجی را جذب کردیم!»

۳,۳ سطح کلان (حکمرانی فرهنگی): معماری تمدن نوین

الف) سند راهبردی هیأت‌های تراز

اجزاء: شاخص‌های تمدنی هیأت‌ها: مانند «نسبت جوانان زیر ۳۰ سال در مدیریت هیأت»، «تعداد پروژه‌های بین‌المللی»، یا «میزان تولید نرم‌افزارهای دینی».

بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد: تخصیص منابع دولتی بر اساس رتبه‌بندی هیأت‌ها در شاخص‌های فوق.

تحلیل: مستند به کد ۱,۱ (همسویی با سند ۱۴۰۴) و ۶,۶ (قطب دیپلماسی فرهنگی).

سخنان یک کارشناس در مصاحبه: «اگر هیأتی بتواند در ازای هر ۱۰ میلیون تومان بودجه، یک شغل ایجاد کند، سهم بودجه‌اش باید دو برابر شود. این منطق حکمرانی مدرن است!»

ب) دیپلماسی هیأتی

اجزاء: ستاد تبادلات بین‌المللی هیأت‌ها؛ اعزام گروه‌های هیأتی به کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین با مأموریت‌های فرهنگی-اقتصادی.

نظام رتبه‌بندی جهانی هیأت‌ها؛ ایجاد شاخص‌هایی مانند «تأثیر هیأت بر کاهش خشونت در جامعه» برای رقابت بین‌المللی.

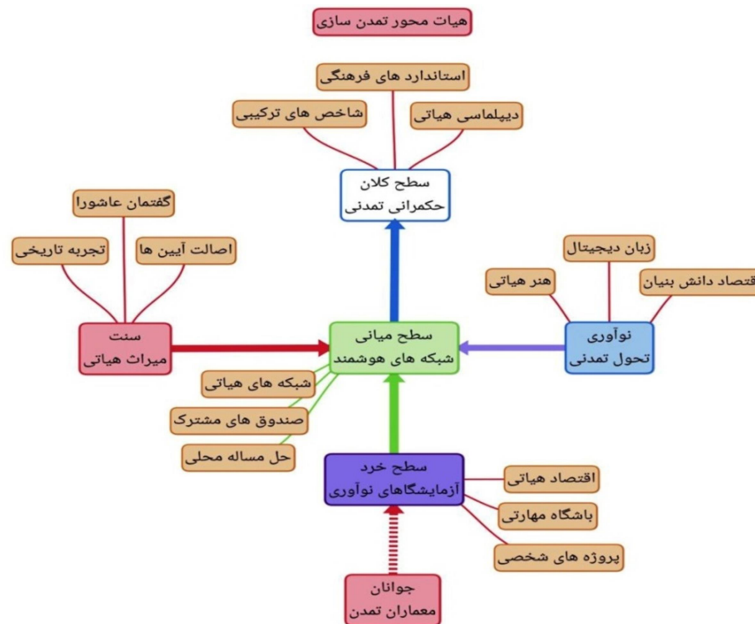
تحلیل: مرتبط با کد ۶,۳ (الهام‌بخشی به جنبش‌ها) و ۳,۶ (ژئوپلیتیک ایران).

مصاحبه با رئیس هیأت بین‌المللی امام علی^(ع): «در کنیا، با ساخت مدرسه به نام امام حسین^(ع)، هم آموزش دادیم، هم نفوذ فرهنگی پیدا کردیم. الآن خود جوانان کنیایی هیأت راه انداخته‌اند!»

جدول-۴. ارتباط اجزای مدل با کدهای پژوهش: نقشه پیوندها

سطح الگو	مؤلفه‌های کلیدی	کدهای مرتبط	شاهد میدانی
خرد	جوانان و اقتصاد هیأتی	۴,۴، ۱,۵، ۵,۶ ۳,۱	تجربه فروشگاه اینستاگرامی «هنر آستانه‌ای» در مشهد
میانی	پروژه‌های محلی مسئله محور، شبکه هوشمند	۴,۲، ۳,۲، ۵,۳ ۵,۴	سامانه اشتراک محتوای هیأت‌های شیراز
کلان	سند راهبردی، دیپلماسی هیأتی	۳,۶، ۱,۱، ۶,۶	پروژه مدرسه‌سازی هیأت امام علی (علیه‌السلام) در کنیا

این مدل، پویایی ذاتی هیأت‌ها را به رسمیت می‌شناسد؛ همان‌طور که یک مصاحبه‌شونده تأکید کرد: «هیأت مثل رودخانه‌ای است که اگر به مسیرش احترام بگذاری، خودش زمین را آبیاری می‌کند!». هر جزء از الگو، حلقه اتصال میان «عزاداری» و «تمدن‌سازی» است، به گونه‌ای که هیأت از «مراسم سینه‌زنی» به «مدرسه‌سازی در آفریقا» می‌رسد!



شکل ۲- مدل مفهومی سه سطحی هیأت مذهبی تمدن ساز

۴. نظریه هیأت محور تمدن سازی

این نظریه با الهام از چهارچوب دین حداکثری و تحلیل داده‌های میدانی، هیأت‌ها را به مثابه «موتورهای زنده تمدنی» بازتعریف می‌کند که در تعامل پویا با جامعه، سه نقش هم‌زمان ایفا می‌کنند: حافظ سنت‌ها، پاسخگوی نیازهای روز و پیشران آینده. اجزای این نظریه در چهار بُعد کلیدی تشریح می‌شود:

۴.۱ بیان نظری: از آیین تا اکوسیستم تمدنی

گزاره مرکزی: «هیأت‌ها با تکیه بر گفت‌وگو عاشورا (به‌عنوان الگوی مبارزه با استکبار و ظلم) و جوانان (به‌عنوان سوژه‌های فعال)، می‌توانند از نهادهای مناسبی به اکوسیستم‌های چند کارکردی تبدیل شوند که هم‌زمان در سه عرصه فرهنگ، اقتصاد و سیاست اثرگذاری تمدنی دارند. پیوند با کدها: مقوله محوری (۱): «کار ویژه‌های چندلایه» (۱،۵) و «پویایی در حفظ اصالت» (۱،۶) شرایط علی (۲): «ضرورت تحقق امتداد انقلاب» (۲،۴)

مصاحبه شاهد: یک مداح جوان در مصاحبه گفت: «عزاداری ما باید مثل خود امام حسین^(ع) باشد؛ هم اشک دارد، هم شمشیر، هم دیپلماسی. امروز شمشیر ما، هنر و علم و اقتصاد است.»

۴,۲ ابعاد ساختاری نظریه: معماری سه سطحی

الف) سطح خرد: انسان تمدن ساز (میکرو اکوسیستم‌ها)

مکانیسم: هر فرد در هیأت، با آموزش‌های ترکیبی (دینی + مهارت‌های مدرن) به «سرباز تمدنی» تبدیل می‌شود.

اجزا: مدرسه‌های هیأتی مهارت محور: آموزش‌هایی مانند «مدیریت رسانه‌های دیجیتال با الهام از خطبه‌های امام سجاد^(ع)» (متناظر با کد ۵,۵).

برنامه‌های شخصی تمدنی: هر عضو هیأت، موظف به اجرای حداقل یک پروژه کوچک در سال (مثلاً ساخت پادکست درباره اقتصاد مقاومتی).

شاهد میدانی: جوانی در هیأت قم بیان کرد: «در هیأت ما، هر کس باید یک «هدف مشخصی» داشته باشد. من خودم با یادگیری برنامه‌نویسی، اپلیکیشنی برای آموزش فلسفه عاشورا به نوجوانان ساختم.»

ب) سطح میانی: شبکه‌های هوشمند تمدنی (مزو اکوسیستم‌ها)

مکانیسم: هیأت‌ها با تشکیل ائتلاف‌های موضوعی (مثلاً شبکه هیأت‌های محیط‌زیستی یا هیأت‌های فناوری)، تبدیل به نیروی حل مسئله می‌شوند.

اجزا: پلتفرم اشتراک منابع: بانک اطلاعاتی برای به اشتراک گذاری محتوا، نیروی انسانی و بودجه (متناظر با کد ۵,۳).

کمپین‌های مشترک: مثلاً «هر هیأت، یک درخت» با مشارکت ۱۰۰۰ هیأت در سراسر کشور. شاهد میدانی: مدیر شبکه هیأت‌های خراسان رضوی گفت: «با اتصال ۵۰ هیأت به یک شبکه، پروژه کشت زعفران مقاومتی را اجرا کردیم. سود حاصل صرف بازسازی حرم‌های سوریه شد.»

ج) سطح کلان: حکمرانی تمدنی (ماکرو اکوسیستم)

مکانیسم: هیأت‌ها با نفوذ در ساختارهای حاکمیتی، تولیدکننده گفتمان و تعیین‌کننده استانداردهای فرهنگی می‌شوند.

اجزا: شاخص‌های تمدنی هیأت محور: مانند «تعداد اختراعات ثبت‌شده توسط اعضای هیأت‌ها» یا «میزان کاهش فساد اداری در مناطق تحت پوشش هیأت‌ها» (متناظر با کد ۶,۲ و ۶,۴).
قرارگاه‌های بین‌المللی: مثل «مجمع جهانی هیأت‌های مبارز» برای هماهنگی مبارزات فرهنگی علیه استکبار.

شاهد میدانی: یک کارشناس در مصاحبه تأکید کرد: «هیأت الرشید بغداد، با الگوگیری از هیأت‌های ایران، حالا تبدیل به یک دانشگاه مردمی شده؛ هم نماز می‌خوانند، هم سرطان درمان می‌کنند!»

۴,۳ مکانیسم‌های پویای نظریه: دیالکتیک سنت-نوآوری

الف) چرخه تبدیل «اشک» به «ابتکار»

فرآیند: مناسک هیأتی (مثل روضه) با بازخوانی خلاقانه، به خاستگاه ایده‌های تمدنی تبدیل می‌شوند.
مثال: مفهوم «آب فرات» در روضه ← الهام‌بخش پروژه‌های مدیریت آب در مناطق کم‌آب.
کد مرتبط: ۵,۲ (تولید محتوای هنر محور) + ۱,۴ (تربیت انسان مولد).
شاهد میدانی: یک پژوهشگر هیأتی گفت: «در هیأت ما، هر روضه با یک جلسه بارش فکری پایان می‌یابد. مثلاً بعد از روضه حضرت قاسم^(ع)، ایده ساخت کیف مدرسه ضدگلوله برای کودکان فلسطینی مطرح شد!»

ب) حلقه‌های بازخوردی تمدنی

فرآیند: دستاوردهای هیأت‌ها (مثل کاهش طلاق)، مشروعیت و منابع آن‌ها را افزایش می‌دهد و این چرخه را تقویت می‌کند.
مثال: پیامد ۶,۴ (کاهش آسیب‌ها) ← تقویت مقوله محوری ۱,۲ (تلفیق هویت دینی- ملی).
شاهد میدانی: عضو هیأت امام رضا (علیه‌السلام) مشهد گزارش داد: «از وقتی با هیأت، کارگاه‌های مشاوره ازدواج راه انداختیم، نه تنها طلاق کم شده، بلکه حالا شهرداری بودجه بیشتری به ما می‌دهد!»

۴,۴ نوآوری‌های نظریه در نسبت سنجی دین و تمدن

الف) تمدن به مثابه امتداد عاشورا:

برخلاف نظریه‌های رایج که تمدن را محصول نهادهای رسمی می‌دانند، این نظریه ثابت می‌کند تمدن، زاینده شاعر مردمی هوشمندانه است.

مصاحبه‌شونده: «عاشورا فقط یک واقعه تاریخی نیست؛ یک نرم‌افزار همیشه آپدیت برای ساخت تمدن است!»

ب) جوانان: از پیروان منفعل به کادرهای تمدنی:

این نظریه، جوانان را نه «مخاطب» که مالکان اصلی پروژه تمدنی می‌داند. مصاحبه‌شونده: «ما به جای آنکه به جوانان بگوییم چطور سینه بزنند، از آن‌ها می‌پرسیم چطور می‌خواهند دنیا را تغییر دهند!»

ج) هیأت‌ها: ابزار دیپلماسی تهاجمی:

هیأت‌ها با خلق «قدرت نرم مردمی»، می‌توانند بدون اتکا به دولت، گفتمان مقاومت را جهانی کنند.

مصاحبه‌شونده: «هیأت‌های ما در کشور عراق، بهتر از سفارتخانه‌ها کار می‌کنند! آن‌ها با زبان محلی مداحی می‌کنند و مردم را مجذوب اسلام ناب می‌کنند.»

جدول-۵. تطبیق نظریه با کدها و مصاحبه‌ها

مؤلفه نظریه	کدهای مرتبط	شاهد مصاحبه
انسان تمدن ساز	۵،۵، ۱،۴	«در هیأت ما هر جوان باید حداقل یک مهارت تمدنی یاد بگیرد؛ از برنامه‌نویسی تا خطابه.»
شبکه‌های هوشمند	۳،۲، ۵،۳	«با شبکه‌سازی، هیأت کوچک ما در روستا، حالا با هیأت‌های اروپایی در تماس است.»
چرخه اشک-ابتکار	۲،۵، ۵،۲	«هر اشکی که برای امام حسین (علیه‌السلام) می‌ریزیم، باید به یک طرح عملیاتی تبدیل شود؛ این فلسفه هیأت ماست.»

این نظریه، حاصل شنیدن صدای «هیأت‌های در حال تحول» است؛ هیأت‌هایی که هر کدام مانند سلول‌های زنده یک پیکره تمدنی، در حال تقسیم و بازآفرینی هستند. آنچه این نظریه را متمایز می‌کند، پذیرش تناقض‌های ذاتی هیأت‌ها است:

هیأتی که هم سنت‌گرا است و هم پیشگام فناوری، هیأتی که هم اشک می‌ریزد و هم استارت‌آپ می‌سازد، هیأتی که هم محلی است و هم آرمان جهانی دارد.

این نظریه نه یک طرح اتوپایی که نقشه راهی آزمون شده است که در هیأت‌های پیشرو ایران و جهان اسلام در حال اجراست. به تعبیر یکی از مصاحبه‌شوندگان: «هیأت تراز، هیأتی است که

اگر امام زمان (عج) امروز ظهور کنند، اولین جایی که می‌روند، هیأت ماست؛ چون می‌دانند اینجا پایگاه تغییر جهان است!».

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش با عبور از نگاه تک‌بعدی به هیأت‌ها به‌عنوان نهادهای صرفاً مناسکی، آن‌ها را به‌مثابه سازه‌های پویای تمدن‌ساز بازتعریف می‌کند که در تعاملی دیالکتیک با نیازهای زمانه، هم میراث‌دار سنت‌های دینی (مانند عزاداری عاشورایی) هستند و هم پیش‌قراول نوآوری‌های متناسب با نسل دیجیتال. یافته‌های پژوهش، مبتنی بر داده‌های میدانی (مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ مشارکت‌کننده شامل روحانیون، جوانان هیأتی، و کارشناسان) و الهام از نظریه جامعیت دین (Motahari, 1993) به‌عنوان پیش‌فرض مفهومی، مدلسازی مفهومی برای تحول هیأت‌های تراز انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد. این مدلسازی، مسیری ممکن و آزمون‌شده برای تبدیل هیأت‌ها به کانون‌های تمدن‌سازی پیشنهاد می‌کند، مشروط بر عبور از چند گسل تحلیلی:

۱. گذار از هیأت مناسکی به هیأت مسئله‌محور: هیأت‌ها باید از تمرکز صرف بر عزاداری به سمت حل مسائل اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی حرکت کنند. داده‌های میدانی نشان می‌دهند که هیأت‌های پیشرو (مانند هیأت جوادالائمه تهران با پروژه‌های اشتغال‌زایی یا هیأت زینبیه اهواز با بازی‌های رایانه‌ای تاریخی) با ورود به عرصه‌های زیستی جامعه (کد ۵,۴: حل مسائل محلی)، نقش تمدنی خود را تقویت کرده‌اند. این گذار، با الهام از جامعیت دین (Motahari, 1993)، هیأت‌ها را به نهادهایی چندلایه تبدیل می‌کند که هم‌زمان حافظ سنت و پاسخگوی نیازهای مدرن هستند.

۲. جوانان: از حاشیه‌نشینی نمادین به معماران تمدنی: تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که جوانان هیأتی باید از نقش منفعل (مانند مخاطب مراسم) به طراحان و تصمیم‌گیرندگان پروژه‌های تمدنی تبدیل شوند (کد ۱,۳: جوان‌گرایی). این تحول نیازمند تغییر گفتمان (استفاده از «هیأت‌های جوان‌مدار» به‌جای «جوانان هیأتی»)، واگذاری حداقل ۵۰ درصد کرسی‌های مدیریتی به افراد زیر ۳۵ سال، و تخصیص منابع به ایده‌های جوانان است (کد

- ۵,۱: شورای جوانان تمدن‌ساز). تجربه هیأت امام رضا (علیه‌السلام) مشهد، که با واگذاری مدیریت به جوانان، مشارکت آن‌ها را ۷۰ درصد افزایش داد، این امکان را تأیید می‌کند.
۳. هیأت‌ها به‌عنوان شبکه‌های هوشمند تمدنی: هیأت‌ها باید از نهادهای پراکنده به شبکه‌های منسجم و هوشمند تبدیل شوند که با اشتراک منابع و همکاری با دانشگاه‌ها و پارک‌های فناوری، مسائل محلی و ملی را حل کنند (کد ۵,۳: شبکه‌سازی ملی). برای مثال، شبکه هیأت‌های شیراز با ایجاد سامانه اشتراک محتوا، هزینه‌ها را کاهش داده و اثرگذاری فرهنگی را افزایش داده است. این شبکه‌سازی، با تکیه بر الگوی ایرانی-اسلامی، به تولید دستاوردهای فراگیر برای جامعه اسلامی منجر می‌شود.
۴. هیأت‌ها به‌عنوان سفیران دیپلماسی تمدنی: هیأت‌ها می‌توانند با الهام از گفت‌وگوهای آشورا، به‌عنوان ابزارهای قدرت نرم مردمی، گفت‌وگوهای مقاومت را جهانی کنند (کد ۶,۶: قطب دیپلماسی فرهنگی). تجربه هیأت امام علی (علیه‌السلام) در کنیا، که با مدرسه‌سازی به نام امام حسین (علیه‌السلام) نفوذ فرهنگی ایجاد کرده، نشان‌دهنده ظرفیت هیأت‌ها برای اثرگذاری بین‌المللی است. این نقش، با تأکید بر جامعیت دین، هیأت‌ها را به سفیران تمدن نوین اسلامی تبدیل می‌کند.
- این پژوهش صرفاً یک الگوی عملیاتی نیست که پیشنهادی پارادایمی است برای بازخوانی نسبت دین و تمدن در جهان معاصر. سه گزاره کلیدی این پارادایم عبارت‌اند از:
۱. تمدن، امتداد طبیعی عاشورا است: همان‌گونه که عاشورا از مراسم سوگواری به جنبشی تاریخی تبدیل شد، هیأت‌های امروز نیز می‌توانند از عزاداری به تمدن‌سازی گذار کنند.
 ۲. تمدن، محصول گفت‌وگوی «منبر» و «میزِ طراحی» است: پیوند سنتِ منبری‌های کهن با نوآوری‌های نسل دیجیتال.
 ۳. تمدن، زاینده «امت بی‌سرزمین» است: شبکه‌ای از جوانان شیعه، سنی و حتی غیرمسلمان که آرمان عدالت عاشورایی آن‌ها را متحد می‌کند.
- هیأت‌های تمدنی، پلی میان «حماسه خونین کربلا» و «تمدن درخشان فردا» می‌سازند. این پژوهش ثابت می‌کند که جوانان هیأتی، وارثان واقعی امام حسین (ع) هستند؛ نه با گریه بر گذشته که با عرق‌ریزان امروز برای ساختن فردایی که در آن، هر مسجدی یک دانشگاه است، هر مداح

یک مهندس تمدن است و هر نوجوان هیأتی، سربازی است در جبهه نبرد «حق علیه باطل». این الگو، نسخه امروزی نبرد همیشه جاری عاشوراست؛ نبردی که این بار نه با شمشیر که با «سلاح علم، هنر و اقتصاد مقاومتی» به پیش می‌رود.

References

- Abforosh, R. (1401). The Culture-Creating Committee; The Culture-Destroying Committee. *Ritual Studies of the Islamic Republic of Iran*, Year 1(1), 17-20. [In Persian]
- Babaei, H. (2011). *Civilization and Modernity*. Qom: Islamic Cultural Sciences Research Institute. [In Persian]
- Culture, Art and Communication Research Institute. (2019). *National Survey of Cultural Goods Consumption (Country Report) (Third Wave), First Edition (2019)*, Tehran, Culture, Art and Communication Research Institute. [In Persian]
- Ghafari Hashjin, Z., Morshedizad, A., Khodadadi, H. (2012). The Role of Religious Delegations in Tehran in the Process of Victory of the Islamic Revolution. *Political Science*, 8(2), 63-82. [In Persian]
- Ghasemi, B. (1402). The Capacity Measurement of Arba'in Walking and Its Impact on Modern Islamic Civilization. *Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, 6(2), 25-50. doi: 10.22070/nic.2024.18267.1266. [In Persian]
- Her Holiness Grand Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may her soul rest in peace), Statements, (taken from the website www.khamenei.ir). [In Persian]
- Jan Ahmadi, F. (2009). *History of Islamic Culture and Civilization*. Tehran: Maarif Publishing House. [In Persian]
- Khosropanah, A.H. (2003). *The Scope of Sharia*. Qom: Maarif Publishing House. [In Persian]
- Mashalchi, M., Morshedi, A. (1401). Investigating the role of religious boards in strengthening civil society (Case study: Investigating the views of religious board activists in Yazd city), *Social Sciences*, 28(94) 209-239. [In Persian]
- Mazaheri, M.H. (2010). *Shiite Media: Sociology of Mourning Rituals and Religious Bodies in Iran*, Tehran, International Printing and Publishing Company. [In Persian]
- Motahari, M. (1993). *Society and History*. Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- National Cultural Observation Center. (1402). *Cultural Observation Report (46) Tehran Adolescents and the Mosque: Investigating the Status of Adolescents' Relationship with the Mosque*, First Edition (1402), Tehran, Culture, Art and Communication Research Institute. [In Persian]
- Pirouzmand, A. (2013). *Fundamental Theory in the Relations between Religion and Culture*, Qom: Maarif Publishing House. [In Persian]
- Qom Seminary Administration. (2004). *An Introduction to Freethinking and Theorizing in Religious Sciences*, Qom: Qom Seminary Center Publications. [In Persian]
- Saeedi Rezvani, M., Bagh Goli, H., Mohajer, A. (2014). Evaluation of the Educational Output of Religious Boards (Case: Mashhad City). *Tarbiat Islamic*, 9(18) 95-117. [In Persian]
- Safari, M.H., Moniri, H.R., Mousavi, S.M. (1403). Studying the characteristics of Taraz Mosque in the intellectual system of the Imams of the Islamic Revolution in the process of realizing the modern Islamic civilization. *Political Sociology of the Islamic Revolution*, 5(1), 83-101. [In Persian]
- Soroush, A. (1999). *Expansion of Prophetic Experience*. First edition (1999). Tehran: Sirat Cultural Institute. [In Persian]
- Strauss, A., Corbin J. (1998). **Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques**. 2nd ed. Thousand Oaks, CA:Sa.
- Zarrin Koob, A. (2005). *Karnameh al-Islam*, 9th edition. Tehran: Amirkabir Publishing House. [In Persian]

